

پیشکاه علوم انسانی، مطالعات فرهنگی

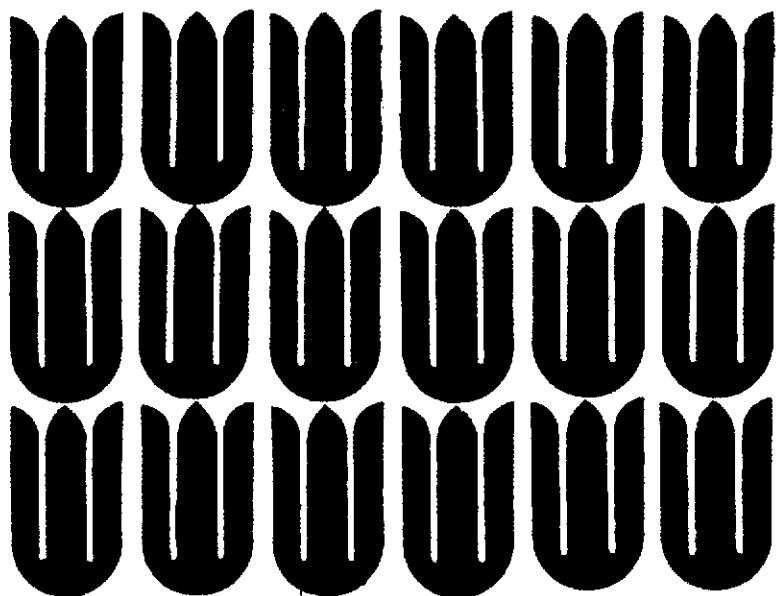
پرتال جامع علوم انسانی

اولین ها

آخرین ها



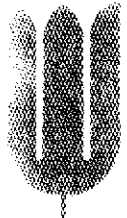
پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شهیدان زنده‌اند. شهیدان، بندهای بودن یا نبودن را گسسته‌اند و نامشان را با تالوئی چشمگیر بر تارک تاریخ بشریت منقوش ساخته‌اند. سید مجتبی نواب صفوی از تبار شهیدان صدر اسلام همچون همه شهیدان تاریخ انقلاب خونبار اسلامیان از آنان بود که به جاودانگی می‌اندیشید، و جاودانگی را، در شهادت در راه خدا می‌دانست. او پس از مبارزه‌ای پرشکوه، آنگاه که اسیر دژخیمان پهلوی شد، زانو نزد و گردن فرازانه بر اعتقاداتش پای فشرد و از اسلام گفت، اسلام ناب محمدی. او در بیدادگاههای رژیم با صراحت تمام روند رو به رشد اسلام‌ستیزی را عیان ساخت و سرانجام در راه آرمان مقدسش جان باخت. نواب صفوی زنده است و نزد خدایش روزی می‌خورد. در این شماره به مناسبت یادی از سید مجتبی نواب صفوی و فدائیان اسلام در بخش خاطرات، سندی را منتشر می‌کنیم که متن آخرین دفاع شهید نواب صفوی است. او در متن این لایحه دفاعیه که به‌خط خود وی می‌باشد با شهامتی کم‌نظیر به بیان اعتقاداتش می‌پردازد و ضمن رسوا کردن رژیم و عمالش، وظیفه مسلمان مؤمن و معتقد را بیان می‌کند.

اتهام تا توکل بنظر بهرین اساس حکومت و تخریب مردم بجمع شدن بر ضد قدرت سلطنت و تکلیف جمعیت...

حقوق قانونی را که در کتب مکتوبه برقرار است و در این باب در بیان حکومت... و در بیان حقوق... و در بیان...





وزارت جنگ
اداره دادرسی ارتش
۳۴/۹/۲۸

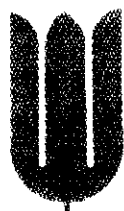
نام و شهرت بازجو: سرتیپ کیهان‌خدویو
نام و شهرت متهم: غیر نظامی سیدمجتبی نواب صفوی
سینزدهمین جلسه تحقیقات در ساعت ۱۸/۳۰ شروع شد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

س - اتهام شما توطئه به منظور برهم زدن اساس حکومت و تحریص مردم به مسلح شدن برضد قدرت سلطنت و تشکیل جمعیتی که مرام و رویه آن ضدیت با سلطنت مشروطه ایران بوده است و قاچاق اسلحه و مهمات می‌باشد، به عنوان آخرین دفاع مطلبی دارید بنویسید.

ج - چون قانون اساسی ایران بحمدالله متکی بر قوانین قران و اسلام است و تصریحات اکیدی دارد براینکه حکومت و مملکت ایران، مملکت و حکومت رسمی اسلامی است و مذهب رسمی آن طریقه حقه جعفریه است و نیز شاه باید دارای و مروج مذهب شیعه باشد و بنابراین به طریق اولی حکومت و قوای تابعه حکومت باید دارا و مروج مذهب شیعه باشند و نیز تصریح می‌کند که قوانین مصوبه مجلس بایستی هیچگونه مباحثه و مخالفتی با قوانین اسلام نداشته باشد

و نیز تصریح می‌کند که این قانون یعنی این ماده اساسی قابل تغییر نخواهد بود تا ظهور حضرت ولی عصر ارواح‌العالمین له الفداء بنا بر تمام این مصرحات غیرقابل تغییر قانون اساسی معلوم می‌شود که اولاً قوانین اسلام در کشور ایران رسمیت قانونی داشته و هر قانونی که برخلاف قوانین اسلام باشد ملغی و غیرقانونی است و ثانیاً معلوم می‌شود که وظیفه هیئت حاکمه اجراء سراسر قوانین اسلام در مملکت بوده و وقتی حکومت اسلامی و قانونی هستند و مقامشان از طرف خدا و ولی عصر ارواحنا له الفداء و از طرف قانون اساسی رسمیت و قانونیت دارد که جمیع احکام اسلام و شیعه را اجراء و عملی و ترویج نمایند و جمیع اعمال عمومی و منکرات و مفسدات که از نظر اسلام و شیعه منکر و فساد است از میان ببرند و در غیر این صورت رسمیت و قانونیت از نظر قانون اساسی ندارند. امروز پر پیداست بینکم و بین‌الله که جمیع اعمال و رفتار حکومت و اجتماعی که باید از طرف حکومت قانون اجتماعی مردم در میانش اجرا شود برخلاف نصوص صریح و ضروریات صریح و مسلم اسلام و قرآن رفتار می‌کنند از نظر شمائر می‌بینیم که یک مملکت کفر با کشور شیعه و مسلمان ایران از نظر تظاهرات اجتماعی فرقی نداشته و از نظر اعمال و رفتار جمیع افراد هیئت حاکمه هیچ فرقی ندارد و شمائر اسلامی همگی از میان رفته و تظاهرات کفرآمیز به اسلام به شدت هجوم و بلکه شدیدترین هجوم علیه اسلام رائج است و به خصوص جمیع تشکیلات حکومت برخلاف مبانی اصول و ضروریات اسلام صریحاً گردش می‌کند یعنی اگر در تمام تاریخ ادیان و مذاهب حقه سلف مطالعه کنیم می‌بینیم که نظیر این هجوم که سالها است از طرف هیئت حاکمه کشور اسلامی ایران بر آئین حقه اسلام و مذهب حق جعفری روا گردیده کمتر سابقه داشته و یا هیچ سابقه نداشته است پس بنابراین شخص شاه و هیئت حاکمه عموماً مهاجمین شدیدی علیه اسلام بوده‌اند و بنابراین قانون اساسی و قانون مقدس اسلام قانونیت و رسمیت ندارند پس در هنگامی از نظر قانون اساسی می‌شود برای اعمال هرمتهمی دولت اذعانامه صادر کند (به خصوص که اتهامش این باشد که اعمالی علیه حکومت انجام داده است) که شخص شاه و هیئت حاکمه از نظر قانون اساسی قانونیت و رسمیت داشته باشند و به خصوص و به طور اخص در صورتیکه قانون اساسی متکی بر قانون اسلام بوده و تمام قوانین اسلامی را امضاء می‌کند (خط خوردگی) پس تمام قوانین خاصه قوانین ضروری اسلام را امضاء می‌کند و به خصوص قانون ضروری مسلم دفاع در اسلام را که دفاع از سوی آفریننده عزیز قانون فطری و طبیعی‌اش در بدن انسان و هر موجود زنده‌ای برای حفظ و بقاء شخصیت آن موجود قرار داده شده که اگر نبود بشری و



جاننداری نبود و از هر عقیده و اصول عقیده مردم هر کشوری و هر ملتی که تمام اعمال و رفتار و شعائر و گفتار و صلح و جنگ و مخالفت و موافقتشان روی آن اصول عقیده در رأس همه چیزشان قرار داشته و آن اصول و عقاید بالاتر از جان و مال و همه چیزشان است به خصوص عقاید حقه اسلامی که اصول احکام اسلام رسمی باشند و عقیده به احکام هم جزء همان عقاید و اصولاً جنگ با یک عقیده و دینی در جامعه مفهومی جز جنگ با لوازم و احکام و آثار و شعائر آن عقیده ندارد و در این صورت وقتی یک چنین هجوم عمومی شدیدی از طرف جمیع سازمانهای دولت به عقاید مردم شده حق این است که حکومت بدون دلیل و برخلاف هر دلیلی شب و روز اسلحه و مهمات بردارد و به جان مردم بیفتد و مضافاً بر اینکه با قوای تشکیلاتی و اسلحه و مهماتی که از دست رنج همین مردم مسلمان تهیه کرده از اوضاع مهاجمین علیه اسلام شدیداً دفاع می‌کند یعنی اگر مسلمانها و ملت مسلمان حقیقی این مملکت بگویند که شب و روز هم می‌گویند که این بی‌حجابی عجیب که دین و عفت عمومی و اخلاق همه را روز به روز فاسد می‌کند و خود این تظاهر علیه جمیع آیات قرآن شریف که ۱۷ آیه صریح در حجاب دارد نباید باشد و بخواهند نهی کند و با این سینماها و آرטיستهای فاسد کننده عموم نباید باشد و یا این موسیقی هوس‌انگیز و فاسد کننده اخلاق جامعه نباید باشد و یا این مسکرات خانمانسوز و مخالف اسلام نباید باشد حکومت با قدرت و اسلحه دفاع از منکرات نموده نهی کننده را منکوب می‌کند یعنی به عکس و مخالف قانون قدرت خود را مصرف می‌کند و در اینجا که به بالاتر از جان مسلمین یعنی این مسلمین که همه چیزشان به دینشان بستگی دارد و به همه چیزشان هجوم شده است اسلام و قانون اساسی دفاع را بر هر مسلمان عاقل و مکلفی واجب نموده است و از اول و آغاز هم در جزء ضروریات اسلام آن را یعنی دفاع را قرار داده است و ضروری هم آن حکمی است که احتیاجی به فتوا و استنباط مجتهد نداشته به استنباط و فتوا ابداً بستگی ندارد پس اسلام می‌گوید مسلمان دفاع کن علیه مهاجم قانون اساسی می‌گوید ای مسلمان دفاع کن علیه مهاجم و عقل و منطق عمومی و اسلام و قانون اساسی مهاجم را در روز روشن مثل روشنی روز نشان می‌دهد که آن صدر تا ذیل هیئت حاکمه است اینک قانون اساسی و اسلام به کسی که دفاع نکند می‌گوید چرا دفاع نکردی و امریه واجب و ضروری را اجراء ننمودی و صبر کردی که اسلام و قانون اساسی پایمال شود یعنی خیانت به اسلام و قانون اساسی کردی و بالاترین خیانت به هر چیزی آنست که وجود آن چیز را نفی و نیست کنند و به نیستی و نفی شدن آن راضی شوند و آن اسلام قائم به

اجتماع مسلماً در خطر و رو به نیستی بوده و مورد این هجوم شدید قرار گرفته است پس کسی و کسانی که برای دفاع از قوانین اسلام و بالنتیجه برای دفاع از قانون اساسی عملی و اعمالی علیه حکومت یا شخص شاه یا وضع مذکور فعلی انجام داده است بینکم و بین الله از نظر این قانون اساسی و از نظر اسلام آیا انجام وظیفه واجب، واجب نموده است و امر قانون اساسی و اسلام را اجرا کرد و آیا درخور تشویق و تقدیر حقیقت اسلام و قانون اساسی نیست آیا روح مقدس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و روان قانون اساسی از مثل چنین کس و چنین کسانی خوشنود نیست؟ تا چه رسد که علیه او حکمی دهد خیر مسلم است که حکم قانون اساسی و روان قانون اساسی و قوانین مقدس اسلام علیه کسانیست که چرخهای حکومت رسمی اسلامی را علیه دین خدا و علیه قانون اساسی به گردش انداخته اند و باطن اسلام و قانون اساسی بر آنها نفرین می کنند زیرا بدن مطهرش در زیر چرخهای چنین حکومتی در رنج بوده به شدیدترین نحوی خرد می شود و ناله می کند و ارواح مقدس انبیاء و خاتم پیغمبران و آل مطهرش علیهم افضل صلوٰة الله نگران این اوضاع بوده اشک تأسف و تأثر بر خونبهای مقدس خود اسلام و مسلمین مظلوم می ریزند و نفرین و هم دعا برای هدایت گمراهان می کنند زیرا که آن ارواح مقدس و مؤمنینی که به شرف تربیت در مدارس بزرگشان اندکی مشرف شده اند سراپا عطوفت و رحم و شفقتند و در واقع جنگشان برای جنگ نبوده از راه شفقت و رحمت و با کمال تأسف و تأثر است و نه از راه خشم و غضب شخصی و سلطه طلبی و منفعت جوئی و بنابراین وصف من هم که کوچکترین مؤمنی به حمد الله هستم و هم برادران دینی نزدیکم همیشه او دعاهما و زاریها برای هدایت برادران گمراه شده به خصوص هیئت حاکمه و برادران گمراه خود در رأس مملکت نموده ایم (ممکن است تعجب کنند و بگویند ما مسلمانیم و گمراه نیستیم بلی و اما خود اینکه هجوم به قوانین اسلام بکنند گمراهی بزرگ است و اگر قابل اجراء هم ندانند باز هم گمراهی بزرگ است) و با کمال روشنی و وضوح شفاهاً و کتباً سالها و ماهها و هفته ها و روزها تذکر داده ایم و در این خصوص کتاب مختصری نوشته ایم گفته ایم که اگر قوانین اسلام یعنی روح قانون اساسی را اجراء کنید این منافع عالی و بلند نصیب شخص شما و مملکت خواهد [شد] و ما هم قدرت بزرگی با ملت مسلمان ایران یعنی از روی واقعیت و حقیقت در اختیار شما و برای شما خواهیم بود و هرچه بیشتر گفتیم کمتر نتیجه گرفتیم به ناچار برای انجام وظیفه دفاعی واجب قدمهای خیلی با احتیاط و کوچکی برداشتیم.